



خاندان‌های شیعه

خاندان ابورافع

(پژوهش و بازسازی میراث مکتوب خاندان ابورافع)

دکتر منصور داداش‌نژاد



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

تابستان ۱۳۹۵

داداش‌نژاد، منصور، ۱۳۴۵ -
خاندان‌های شیعه؛ خاندان ابورافع (پژوهش و بازسازی میراث مکتوب خاندان ابورافع) / منصور داداش‌نژاد؛
قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۵.
چهارده، ۳۷۴ص: جدول - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۳۵۹: تاریخ؛ ۸۶)
ISBN: 978-600-298-098-4 بهای: ۱۵۵۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا
کتابنامه: ص ۳۰۳-۳۲۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. آل ابی‌رافع. ۲. شیعه - سرگذشتنامه. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.
۱۳۹۵ خ ۲ / د ۱۷ / ۵۵ BP ۲۹۷/۹۹۶
شماره کتابشناسی ملی ۴۲۲۰۱۵۳



خاندان‌های شیعه؛ خاندان ابورافع (پژوهش و بازسازی میراث مکتوب خاندان ابورافع)

مؤلف: دکتر منصور داداش‌نژاد

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری

صفحه‌آرایی: کاما

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۵

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۱۵۵۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر:

۰۲۵-۳۲۸۰۳۰۹۰ ص.پ. ۳۷۱۸۵-۳۷۱۸۱ ● تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

فروش اینترنتی: www.ketab.ir/rihu

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه السلام بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان منبع کمک‌درسی برای دانشجویان رشته تاریخ در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا و نیز دیگر علاقه‌مندان به مطالعات تاریخ دودمانی شیعه تهیه شده است. از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه بر خود لازم می‌داند از مؤلف محترم اثر جناب آقای دکتر منصور داداش‌نژاد و نیز از ارزیابان محترم اثر حجت‌الاسلام والمسلمین سید کاظم طباطبایی و حجت‌الاسلام والمسلمین محمد هادی یوسفی غروی سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول: خاندان ابورافع	۳
۱. ابورافع خادم رسول خدا ﷺ	۴
خلط میان چند ابورافع	۱۱
درگذشت ابورافع	۱۲
روایات ابورافع	۱۳
روایات ابورافع در کتاب‌های حدیثی	۱۳
راویان و روایت‌کنندگان از ابورافع	۱۵
بسامد روایات	۱۶
نسل ابورافع	۱۶
۲. سلمی، همسر ابورافع	۱۸
۳. عبیدالله بن ابورافع	۲۱
کتابت عبیدالله	۲۳
خلط و اشتباه درباره عبیدالله بن ابورافع	۲۶
نسل عبیدالله	۲۶
۱-۳. زریق بن عبیدالله بن ابی‌رافع	۲۷
۱-۳-۱. عبدالملک بن حسن بن محمد بن زریق بن عبیدالله بن ابی‌رافع، ابومروان، زونان	۲۷
۱-۳-۲. عبیدالله بن محمد بن عبدالملک بن حسن بن محمد بن زریق بن عبیدالله ابن ابی‌رافع قرطبی	۲۸
۱-۳-۳. حسن بن عبیدالله بن محمد بن عبدالملک بن حسن بن محمد بن زریق بن عبیدالله بن ابی‌رافع، ...	۲۸
۲-۳. فضل بن عبیدالله بن ابورافع مدنی	۲۹
۱-۲-۳. محمد بن فضل بن عبیدالله بن ابی‌رافع مدنی	۲۹
۲-۲-۳. عباس بن فضل بن عبیدالله بن ابی‌رافع	۲۹
۳-۳. عبدالله بن عبیدالله بن ابی‌رافع، عباد	۳۰
۱-۳-۳. معاویه بن عبدالله بن عبیدالله بن ابی‌رافع	۳۰
۴-۳. صالح بن عبیدالله بن ابورافع	۳۲
۱-۴-۳. رباح بن صالح بن عبیدالله بن ابی‌رافع	۳۲

۳۳	۵-۳. ابراهیم بن عبیدالله بن ابی رافع
۳۴	۴. علی بن ابورافع
۳۵	۱-۴. عبیدالله بن علی بن ابی رافع
۳۶	۱-۴. عون بن عبیدالله بن علی بن ابی رافع
۳۷	۱-۴. إسماعیل بن عون بن عبیدالله بن علی بن ابی رافع قرشی هاشمی
۳۸	۲-۴. محمد بن عبیدالله بن علی بن ابی رافع
۳۹	۱-۴. مُعَمَّر بن محمد بن عبیدالله بن علی بن ابی رافع
۴۲	۲-۴. ابومحمد عبدالرحمن بن محمد بن عبیدالله بن علی بن ابی رافع
۴۲	۱-۴. محمد بن عبدالرحمن بن محمد بن عبیدالله بن علی بن ابی رافع
۴۳	۲-۴. حسن بن علی بن ابی رافع قرشی هاشمی مدنی
۴۳	۱-۴. علی بن حسن بن علی بن ابی رافع
۴۳	۱-۴. ابراهیم بن علی بن حسن بن علی بن ابی رافع رافعی مدنی
۴۵	۲-۴. محمد بن علی بن حسن بن علی بن ابی رافع
۴۵	۱-۴. ابوالحسن احمد بن محمد بن علی بن حسن بن علی بن ابی رافع مدنی
۴۵	۱-۴. حسن بن محمد بن احمد بن محمد بن علی بن حسن بن علی بن ابی رافع مدنی
۴۵	۲-۴. ایوب بن حسن بن علی بن ابی رافع مدنی
۴۶	۱-۴. محمد بن ایوب بن حسن بن علی بن ابی رافع مدنی
۴۶	۳-۴. جعفر بن علی بن ابی رافع
۴۶	۵. زینب بنت ابی رافع
۴۷	افراد دیگر خاندان
۴۷	اسماعیل بن حکم رافعی
۴۹	سلمی، عمّه عبدالرحمن بن ابی رافع
۴۹	موارد مشکوک
۵۰	موالی خاندان

۵۳	فصل دوم: سنج‌شناسی روایات خاندان ابورافع
۵۳	۱. شمار روایات برجای‌مانده از خاندان ابورافع
۵۷	۲. راویان خاندان
۵۸	۳. گونه‌شناسی روایات خاندان
۵۹	۱-۳. روایات تاریخی
۵۹	۲-۳. مناقب و فضایل
۶۰	۳-۳. روایات فقهی
۶۰	۴-۳. روایات سیاسی
۶۱	۵-۳. روایات مجعول
۶۲	۴. سرمنشأ روایات خاندان ابورافع
۶۲	۱-۴. خاندان امام علی علیه السلام
۶۴	۱-۴. نوادگان امام سجاد علیه السلام
۶۵	۲-۴. نوادگان امام حسن علیه السلام

۶۵	۳-۱-۴. نوادگان عمر (الاطرف) بن علی بن ابی طالب (ع)
۶۵	۴-۱-۴. نوادگان محمد بن حنفیه
۶۶	۵-۱-۴. نوادگان عباس بن علی بن ابی طالب
۶۶	۲-۴. خاندان عمار بن یاسر
۶۷	۳-۴. خاندان اُمّ سلمه
۶۷	۴-۴. خاندان ابویوب انصاری
۶۸	۵-۴. خاندان زبیر بن عوام
۶۸	۶-۴. خاندان عباس بن عبدالمطلب
۶۸	۵. مورخان و روایات خاندان ابورافع
۷۲	۶. بسامد روایات
۷۳	فصل سوم: کتاب‌های خاندان ابورافع
۷۴	۱. کتاب اخبار ابی رافع
۷۶	۱-۱. سیره و مغازی
۷۷	۱-۱-۱. دوران مکی
۷۷	پرورش یافتن امام علی (ع) نزد پیامبر (ص)
۷۷	نخستین مسلمانان
۷۹	فراخوانی بستگان نزدیک
۸۴	آزار مشرکان
۸۴	اسلام ابوطالب (ع)
۸۴	درگذشت ابوطالب
۸۵	۲-۱-۱. دوران مدنی
۸۵	هجرت پیامبر (ص) و امام علی (ع) به مدینه
۹۴	پیامبر (ص) و اهل بقیع
۹۵	جنگ بدر
۹۸	جنگ اُحد
۱۰۰	غزوه حمراء الاسد
۱۰۲	جنگ بنو قریظه
۱۰۲	جنگ خیبر
۱۰۴	فتح مکه
۱۰۶	برائت از مشرکان
۱۰۷	جنگ تبوک
۱۰۸	پرچمداری امام علی (ع)
۱۰۸	مباهله در مدینه
۱۱۱	مأموریت امام علی (ع) به یمن
۱۱۲	پیامبر (ص) در بستر بیماری
۱۱۳	آخرین سخنان پیامبر (ص) درباره علی (ع)
۱۱۳	تدفین پیامبر (ص)

۱۱۴	ادای دین پیامبر ﷺ
۱۱۵	کرامات پیامبر ﷺ
۱۱۶	نتایج
۱۱۷	۲-۱. فضایل و اخبار امام علی علیه السلام
۱۱۷	۱-۲-۱. فضایل امام علی علیه السلام
۱۱۷	امام علی علیه السلام پرچم هدایت
۱۱۹	ایمان علی علیه السلام
۱۲۰	اختصاص آیه «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ» به ابثار امام علی علیه السلام و خانواده ایشان
۱۲۰	ولایت امام علی علیه السلام
۱۲۳	وصایت علی علیه السلام
۱۲۴	حدیث منزلت
۱۲۵	طبر مشوی
۱۲۶	مودت با علی علیه السلام
۱۲۶	آزار دادن علی علیه السلام
۱۲۷	افراط کردن در حب و بغض علی علیه السلام
۱۲۷	حب و بغض علی علیه السلام همچون حب و بغض پیامبر ﷺ
۱۲۸	علی علیه السلام محبوب خدای متعال
۱۲۹	دشمنی با علی علیه السلام
۱۲۹	برادری میان پیامبر ﷺ و علی علیه السلام
۱۳۰	نخستین واردشوندگان به بهشت
۱۳۰	بهشتی بودن علی علیه السلام
۱۳۱	رضایت خداوند و پیامبر ﷺ از علی علیه السلام
۱۳۱	پرداخت صدقه برای سخن با رسول خدا ﷺ
۱۳۱	کمک علی علیه السلام به پیامبر ﷺ هنگام برخاستن
۱۳۲	سلامت دین علی علیه السلام
۱۳۳	تعلیم علی علیه السلام از سوی پیامبر ﷺ
۱۳۳	علم علی علیه السلام
۱۳۴	علی علیه السلام شاگرد خاص پیامبر ﷺ
۱۳۵	بازگشت خورشید برای علی علیه السلام
۱۳۵	بازگشت خورشید پس از رحلت پیامبر ﷺ
۱۳۶	علی علیه السلام نبأ عظیم
۱۳۶	منزلت ذریه علی علیه السلام نزد پیامبر ﷺ
۱۳۷	استغفار پیامبر ﷺ بر شیعیان علی علیه السلام
۱۳۷	سد ابواب
۱۳۸	مناقب مجموعی
۱۳۹	۲-۲-۱. اخبار امام علی علیه السلام
۱۳۹	حدیث مُنْأَسَدَه
۱۴۰	قتل عثمان

۱۴۱	موضع‌گیری‌های امام علی (ع) در برابر مخالفان
۱۴۱	تقسیم کردن مساوی بیت‌المال
۱۴۲	سختگیری در استفاده کردن از بیت‌المال
۱۴۴	عمر و عاص در صفین
۱۴۴	مواضع در برابر خوارج
۱۴۵	ناخشنودی از کوفیان
۱۴۶	ابوالاسود دؤلی و امام علی (ع)
۱۴۶	۳-۱. اخبار فاطمه زهرا (ع) و ائمه (ع)
۱۴۷	۱-۳-۱. روایات مربوط به فاطمه زهرا (ع)
۱۴۷	فاطمه (ع) پاره تن پیامبر (ص)
۱۴۷	دانش فاطمه
۱۴۸	بیماری و رحلت فاطمه (ع)
۱۴۹	محل قبر فاطمه (ع)
۱۵۰	۲-۳-۱. روایات مربوط به حسنین (ع) و دیگر ائمه (ع)
۱۵۰	اذان گفتن پیامبر (ص) در گوش حسنین (ع) پس از ولادت
۱۵۱	صدقه برای حسنین (ع)
۱۵۱	میراث‌داری حسنین (ع) از پیامبر (ص)
۱۵۲	بازی پیامبر (ص) با حسنین (ع)
۱۵۳	محبت کردن پیامبر (ص) به حسنین (ع)
۱۵۳	پیاده حج گزاردن حسنین (ع)
۱۵۳	هدیه جام آسمانی به علی (ع) و حسنین (ع)
۱۵۴	بازی حسنین (ع)
۱۵۵	صلح امام حسن (ع)
۱۵۵	دفن امام حسن (ع)
۱۵۷	شهادت امام حسین (ع)
۱۵۸	حج امام سجاد (ع)
۱۵۹	امام کاظم (ع)
۱۶۰	تعداد ائمه (ع)
۱۶۰	محبت ورزیدن به عترت
۱۶۰	۳-۳-۱. روایات مربوط به وابستگان به اهل بیت (ع)
۱۶۰	سفر زینب دختر علی (ع) به مصر
۱۶۱	محل قبر اُمّ حبیبه
۱۶۱	محل قبر اُمّ سلمه
۱۶۱	روابط محمد بن حنفیه و عبدالملک بن مروان
۱۶۲	قیام زید بن علی
۱۶۲	انگشتر عبدالله بن جعفر
۱۶۳	ازدواج حجاج با دختر عبدالله بن جعفر
۱۶۳	عبدالله محض و محمد نفس زکیه

۱۶۴	۴-۱. اخبار مربوط به غیر اهل بیت
۱۶۴	نام ابوهریره
۱۶۴	فرزندان مصعب بن زبیر
۱۶۴	۲. کتاب السنن والاحکام والقضایا
۱۶۴	۱-۲. نام و عنوان کتاب
۱۶۵	نگارش کتاب‌های سنن
۱۶۸	۲-۲. راویان کتاب السنن والاحکام
۱۶۸	۱-۲-۲. طریق نجاشی
۱۶۹	۱. ابوالحسن محمد بن جعفر بن محمد بن هارون نحوی تمیمی کوفی، مشهور به ابن نجار (۳۰۳-۴۰۲ق)
۱۶۹	۲. ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید مشهور به ابن عقده (م ۳۳۳ق)
۱۶۹	۳. حفص بن محمد بن سعید احمسی
۱۷۰	۴. حسن بن حسین انصاری عُرنی کوفی
۱۷۰	۵. علی بن قاسم کندی کوفی
۱۷۰	۶. محمد بن عبیدالله بن علی بن ابی‌رافع (م ۱۵۷ق)
۱۷۱	۷. عبیدالله بن علی بن ابی‌رافع
۱۷۳	۲-۲-۲. طریق شیة طوسی
۱۷۴	۱. احمد بن عبدون
۱۷۴	۲. ابوبکر دوری
۱۷۴	۳. محمد بن جعفر ابوالحسن محمد بن جعفر بن محمد بن الحسن بن جعفر بن الحسن [بن الحسن] بن علی...
۱۷۴	۴. از پدرش، جعفر بن محمد
۱۷۵	۵. احمد بن عبدالمنعم عینی
۱۷۵	۶. الحسن بن محمد بن محمد بن محمد بن الحسن البجلی
۱۷۵	۷. علی بن محمد بن القاسم الکندی
۱۷۶	۸. محمد بن عبیدالله بن ابی‌رافع
۱۷۶	۹. عن أبيه عن جده عن أمير المؤمنين عليه السلام
۱۷۷	۲-۲-۳. طریق کتاب علی بن ابی‌رافع
۱۷۸	۲-۲-۴. نویسنده کتاب
۱۸۰	۲-۲-۵. ساختار و محتوای کتاب
۱۸۱	۲-۲-۶. بسامد کتاب السنن والاحکام
۱۸۲	۱. استناد زیدیه به این کتاب
۱۸۲	۲. پالایش و نقل این کتاب با نام دیگر
۱۸۳	۲-۲-۷. موارد برجای‌مانده از کتاب
۱۸۴	کتاب طهارت
۱۸۴	وضو
۱۸۷	غسل
۱۸۹	کتاب نماز
۱۹۷	نماز مستحبی
۱۹۸	نماز عید

۱۹۸	نماز شب
۱۹۹	کتاب روزه
۱۹۹	کتاب حج
۲۰۱	کتاب جنائز
۲۰۳	کتاب زکات، صدقه
۲۰۵	کتاب نکاح و طلاق
۲۰۷	کتاب عتق
۲۰۸	کتاب معاملات، بیوع
۲۱۰	کتاب اطعمه و اشربه، طب
۲۱۳	کتاب صید، ذباجه و قربانی
۲۱۴	کتاب حدود و دیات
۲۱۴	کتاب فرائض؛ میراث
۲۱۴	کتاب اوامر، نواهی و وصایا
۲۱۶	کتاب دعا
۲۱۸	کتاب زهد، اخلاق
۲۲۰	کتاب آداب، زینت و حقوق
۲۲۳	کتاب مناقب و فضایل
۲۲۶	کتاب تفسیر
۲۲۷	کتاب تاریخ
۲۳۰	کتاب فتن، مغیبات
۲۳۱	۳. قضایا امیرالمؤمنین علی علیه السلام
۲۳۲	۱-۳. روایات قضایی خاندان ابورافع
۲۳۴	۲-۳. روایت کتاب القضاء
۲۳۶	۳-۳. طریق روایت شیعه طوسی
۲۳۸	۴. تسمیه من شهد مع امیرالمؤمنین علیه السلام الجمل و صفین والنهروان من الصحابه
۲۴۰	۱-۴. موضوع و اهمیت کتاب
۲۴۱	۲-۴. تفاوت و تشابه کتاب تسمیه ابن عقده با تسمیه عبیدالله
۲۴۳	۳-۴. روند و بسامد کتاب تسمیه در منابع پسین
۲۴۳	۱-۳-۴. روند انتقال
۲۴۶	۲-۳-۴. موارد برجای مانده
۲۴۶	۱-۲-۳-۴. المعجم الكبير، طبرانی (م ۳۶۰ق)
۲۴۹	۲-۲-۳-۴. شرح الاخبار، قاضی نعمان (م ۳۶۲ق)
۲۴۹	[کتاب ابن ابی رافع]
۲۴۹	من بنی عبدالمطلب
۲۵۰	و من بنی عبدالمطلب أيضاً
۲۵۰	و من بنی عبد شمس بن عبد مناف
۲۵۰	و من بنی زهر
۲۵۱	و من بنی تیم

۲۵۱	و من بنی مخزوم.....
۲۵۱	و من بنی جُمَح.....
۲۵۱	و من بنی عامر بن لُؤی.....
۲۵۱	و من الأنصار البدریین.....
۲۵۱	من بنی مالک.....
۲۵۲	و من بنی مازن.....
۲۵۲	و من بنی دینار.....
۲۵۲	و من بنی الحرث بن الخزرج.....
۲۵۲	و من بنی ساعد.....
۲۵۲	و من بنی عوف بن الخزرج.....
۲۵۳	و من بنی سلمة.....
۲۵۳	و من بنی زریق.....
۲۵۳	و من بنی بیاضه.....
۲۵۳	و من بنی عمرو بن عوف.....
۲۵۳	و من بنی عبدالأشهل.....
۲۵۷	۳-۲-۳-۴. منابع دیگر.....
۲۵۷	- الاستیعاب، ابن عبدالبر (م ۴۶۳ق).....
۲۵۸	- تاریخ مدینة دمشق، ابن عساکر (م ۵۷۱ق).....
۲۵۹	- اسد الغابه، ابن اثیر (م ۶۳۰ق).....
۲۵۹	- بغیة الطلب، ابن عدیم (م ۶۶۰ق).....
۲۶۰	- الاصابه، ابن حجر (م ۸۵۲ق).....
۲۶۲	۴-۴. فهرست همراهان امام علی (ع) در نبردها در کتاب تسمیه.....
۲۶۸	۵-۴. ساختار و محتوای کتاب تسمیه عبیدالله.....
۲۶۸	۶-۴. ویژگی‌های نسخه مورد استفاده قاضی نعمان در شرح الاخبار.....
۲۷۲	۷-۴. راویان کتاب تسمیه.....
۲۷۲	۴-۷-۱. اول.....
۲۷۲	۴-۷-۱. عون بن عبیدالله بن ابی رافع.....
۲۷۲	۴-۷-۲. محمد بن عبیدالله بن ابی رافع هاشمی.....
۲۷۳	۴-۷-۲. دوم.....
۲۷۳	۴-۷-۱. علی بن هاشم بن برید، ابوالحسن خزاز کوفی (م ۱۸۱ق).....
۲۷۴	۴-۷-۲. یحیی بن یعلی اسلمی قطوانی، ابوزکریا کوفی (م ۲۰۰ق).....
۲۷۴	۴-۷-۳. سوم.....
۲۷۴	۴-۷-۱. ضرار بن صرد (م ۲۲۹ق).....
۲۷۵	۴-۷-۲. موسی بن زیاد.....
۲۷۵	۴-۷-۴. چهارم.....
۲۷۵	۴-۷-۱. احمد بن موسی بن اسحاق، ابوجعفر.....
۲۷۵	۴-۷-۲. محمد بن عثمان بن ابی شیبہ.....

سخن پایانی ۲۷۹

پیوست ۱: ابورافع قبطنی و ابورافع‌های دیگر ۲۸۳

۱. ابورافع صائغ ۲۸۳

۲. عثمان بن عبیدالله بن ابی‌رافع، مولای خاندان عاص ۲۸۵

۳. رافع بن ابی‌رافع طائی ۲۸۶

۴. عبدالله بن رافع بن ابی‌رافع مدنی ۲۸۶

۵. رافع بن خدیج ۲۸۶

۶. رفاعه بن رافع ۲۸۷

۷. رافع ۲۸۷

۸. عون بن محمد بن عبیدالله بن ابی‌رافع ۲۸۷

پیوست ۲: جدول روایات خاندان ابورافع ۲۸۹

منابع و مأخذ ۳۰۳

نمایه آیات ۳۲۳

نمایه اعلام ۳۲۷

نمایه کتاب‌ها ۳۶۳

نمایه مکان‌ها ۳۷۳

تقدیم به آینه دار علم و عمل زنده یاد استاد صادق آینه‌وند

مقدمه

تحقیق درباره خاندان‌های علمی شیعه که سهم بسیاری در حفظ و گسترش تشیع داشته‌اند، می‌تواند چشم‌انداز جدیدی را درباره تاریخ علمی و فرهنگی شیعه باز کند. این خاندان‌ها میراث ائمه علیهم‌السلام و شیعه را نسل به نسل منتقل کرده و بر قوام و استواری آن افزوده‌اند. یکی از کهن‌ترین این خاندان‌ها که در خدمت اهل بیت علیهم‌السلام بوده و سهم قابل توجهی در انتقال میراث ائمه علیهم‌السلام به نسل‌های بعد داشته‌اند خاندان ابورافع است که فعالیت‌های علمی و فرهنگی ایشان در این کتاب تحقیق و پژوهش خواهد شد.

اهمیت روایات برجای مانده از خاندان ابورافع که پیوسته در خط ولایت بوده‌اند، لزوم توجه به این روایات و بازسازی آنها را توجیه می‌کند. به‌ویژه آنکه از سویی بخشی از آگاهی‌های موجود در باب اخبار رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مناقب و فضایل امام علی علیه‌السلام ریشه در روایات این خاندان دارد و از سوی دیگر دامنه و گستره فعالیت ایشان روشن نیست و نیاز به پژوهشی در این زمینه احساس می‌شود.

شناسایی و نشان دادن سهم این خاندان در تحولات فرهنگی شیعه با مطالعه روایات نقل شده از ایشان در لابه‌لای کتاب‌ها و متون حدیثی، تاریخی و دیگر منابع، محقق شده است. با مطالعه تک‌تک روایات نقل شده و منسوب به این خاندان، تلاش شده گرایش‌های خاندان و میزان تأثیر آنها در این عرصه بازنمایی شوند. موضوعی که اهمیت بررسی درباره خاندان‌ها را می‌افزاید آن است که خاندان‌ها، اساس فعالیت‌های سیاسی در سده اول هجری بودند و روایات منقول ایشان در محیط رقابت میان خاندان‌ها تولید و گسترش یافته است و از مسیر بررسی روایات این خاندان‌ها، می‌توان به فضای فکری و سیاسی آن عصر پی برد.

هدف از پژوهش حاضر، استخراج و گردآوری منقولات برجای مانده از خاندان ابورافع و بازسازی کتاب‌های ایشان — که هیچ‌یک در شکل اصلی خود باقی نمانده — است. با این پژوهش ضمن فراهم

آوردن امکان دستیابی به روایات این خاندان به صورت یکجا و ذیل کتاب مناسب، دست‌مایه‌ای برای مطالعه خاندان‌های شیعی و نقش ایشان در استمرار و گسترش تشیع و معارف بلند آن مهیا می‌شود.

این کتاب در سه فصل سامان یافته است:

فصل اول، به شناسایی، معرفی و ارائه شرح حال افراد خاندان ابورافع اختصاص دارد. مجموع وابستگان به این خاندان که در اسناد روایات شناسایی شده‌اند ۴۲ نفر هستند.

فصل دوم، درصدد سنده‌شناسی و تنوع روایات نقل‌شده از این خاندان است. با رسم جدول‌هایی ضمن مشخص ساختن نقش هر یک از اعضای این خاندان، به نوع روایات و نحوه گسترش آن در منابع و متون اشاره شده است.

فصل سوم، به بازسازی کتاب‌های منسوب به خاندان اختصاص دارد. چهار کتاب به افراد این خاندان منسوب است که موارد به جای مانده از این خاندان با توجه به موضوع روایات، ذیل یکی از این کتاب‌ها رده‌بندی و جایابی شده است.

گفتنی است درباره خاندان ابورافع مطالعه منظمی صورت نگرفته است؛ مرحوم علامه شوشتری در قاموس الرجال، افراد وابسته به این خاندان را در فایده سی و یکم گرد آورده است.^۱ دوم، دکتر مدرسی در کتاب میراث مکتوب شیعه ذیل عنوان ابورافع و دو فرزندش عیدالله و علی، به شرح حال مختصر و آثار ایشان و موارد برجای مانده اشاره کرده است. سوم، دکتر حسن انصاری در سایت کاتبان در یادداشتی با عنوان کتاب تسمیه من شهد مع علی حروبه من الصحابه از عیدالله بن ابی‌رافع به بررسی کتاب تسمیه عیدالله بن ابورافع پرداخته است. چهارم، درباره ابورافع نیز کتابی با نام ابورافع مولی رسول الله، از سوی ناصر طبیبی به زبان عربی نوشته شده است.^۲ که قلم‌پردازی در آن بسیار و شرح زندگی ابورافع به داستان کشیده شده است. کتاب حاضر به گونه جامع به شرح حال افراد وابسته به این خاندان پرداخته، روایات ایشان را گرد آورده و دسته‌بندی کرده و از خلال بررسی روایات این خاندان درصدد نشان دادن گرایش‌ها و مواضع فکری و سیاسی آنان برآمده است.

۲. طبیبی، ابورافع مولی رسول الله.

۱. تستری، قاموس الرجال، ج ۱۲، ص ۳۷۱.

فصل اول

خاندان ابورافع

خاندان ابورافع از بلندمرتبه‌ترین خاندان‌ها و بیوت شیعه و قدیم‌ترین آنها در پذیرش اسلام و تشیع بوده است^۱ و به عنوان نخستین نویسندگان شیعی شناخته می‌شوند.^۲ انتساب و شهرت این خاندان «رافعی»^۳ بود و آنان به عنوان موالی رسول خدا ﷺ و با انتساب هاشمی نیز شناخته می‌شدند. نیای این خانواده ابورافع خادم رسول خدا ﷺ بود که خود و فرزندان پس از رسول خدا ﷺ در خدمت امام علی علیه السلام بودند، ارتباط و پیوند خویش را با اهل بیت ﷺ حفظ کرده و در زمینه نشر و گسترش روایات اهل بیت ﷺ کوشیده و به عنوان موالی اهل بیت ﷺ شناخته می‌شدند.^۴ این خاندان در زمینه نقل احادیث فعال بودند و بیشتر روایات برجای مانده از این خاندان با اهل بیت ﷺ ارتباط می‌یابد و روایات ایشان در منابع شیعی و سنی بازتاب یافته و تا قرن سوم افرادی از این خاندان در نقل روایات فعال بوده و شناخته می‌شدند. گفته شده این خانواده ابزارهای شخصی رسول خدا ﷺ را حفظ کرده‌اند چنان که لباس رزم رسول خدا ﷺ نزد این خاندان نگهداری می‌شد^۵ و زمانی که حسن بن حسن مثنی ادعا کرد که شمشیر و زره رسول خدا ﷺ نزد وی است، حجاج بن یوسف ثقفی (م ۹۵ق) برای اطمینان از راستگویی وی، سراغ مردی از آل ابورافع فرستاد تا شمشیر و زره رسول خدا ﷺ را شناسایی کند.^۶ همچنین این خانواده

۱. بحر العلوم، رجال السید بحر العلوم، ج ۱، ص ۲۰۳.

۲. ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۲؛ آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعه، ج ۴، ص ۱۸۱؛ ج ۱۰، ص ۸۰؛ ج ۱۶، ص ۲۸۱.

۳. تمیمی سمعانی، الانساب، ج ۳، ص ۲۷؛ قیسی دمشقی، توضیح المشتبه فی ضبط أسماء الروا و أنسابهم وألقابهم و کناهم، ج ۲، ص ۱۱۶.

۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۸۷.

۵. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۲۱۴.

۶. ابوالعرب، المحن، ج ۱، ص ۳۲۷؛ بیهقی، المحاسن والمساوی، ص ۳۷۶.

مسئول نگهداری صدقات و موقوفات امام علی علیه السلام بود و تا عصر شافعی (م ۲۰۴ق) هنوز گردانندگان این موقوفات از این خانواده بودند.^۱

بیشتر افراد این خاندان ساکن مدینه بوده و به عنوان دانشمندان و اشراف آن دیار به شمار می‌رفتند^۲ و با انتساب «مدنی» شناخته می‌شدند. برخی شاخه‌های این خانواده به مرور به دیگر نقاط سرزمین‌های اسلام کوچ کرده‌اند از جمله شاخه‌ای از آنان به اندلس رفته و تا نیمه قرن چهارم دانشمندان شناخته‌شده‌ای از میان آنان برخاست. چنان که برخی از آنان به کوفه و بغداد کوچیده و ساکن آنجا شدند.

از جمله مشکلات در شناسایی افراد یادشده این خاندان در اسناد روایات، اختلاف در یادکرد از افراد این خاندان است که گاه در اسناد به صورت ابتر و ناقص و یا تصحیف‌شده ذکر شده و نسب ایشان به صورت کامل درج نشده است. در مواردی نیز واسطه‌ها حذف شده و فرد مستقیماً به بزرگ خاندان یعنی ابورافع نسبت داده شده است و حال آنکه میان وی و بزرگ خاندان چندین واسطه وجود دارد.

افراد وابستگان به این خاندان که در منابع و اسناد روایی از ایشان یاد شده به شرح زیر است:

۱. ابورافع خادم رسول خدا صلی الله علیه و آله

بیشتر کتاب‌های رجال و تراجم عنوانی را به شرح حال وی اختصاص داده‌اند. چنان که کتاب‌های حدیثی در عنوانی، روایات او را گرد آورده‌اند. اولین شرح حال درج‌شده در کتاب نجاشی که اختصاص به بررسی نویسندگان شیعی دارد، شرح حال ابورافع است.^۳

نام‌های مختلفی برای او گفته‌اند: ابراهیم، أسلم، سنان، یسار، صالح، عبدالرحمن، قرمان، یزید، ثابت، بندویه عجمی^۴ و هرمز^۵ از جمله این نام‌ها است.^۶ وجه این همه نام برای وی مشخص نیست. دو نام بندویه و هرمز، که به او گفته‌اند نام‌هایی ایرانی است و می‌تواند بیانگر اصل و ریشه وی باشد، چنان که فرزندش عبیدالله به انتساب «همدانی» یاد شده است؛^۷ اما

۱. شافعی، کتاب الام، ج ۴، ص ۵۸.

۲. ابن‌عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۱، ص ۸۴.

۳. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۴. ۴. ابن‌شهر آشوب، مناقب آل‌ابی طالب، ج ۱، ص ۱۷۱.

۵. تمیمی سماعی، الانساب، ج ۱۰، ص ۳۳۰؛ ابن‌اثیر، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۱، ص ۲۵.

۶. ابن حجر، تهذیب التهذیب، ج ۱۲، ص ۹۲.

۷. قضاعی، تاریخ القضاعی المسمی عیون المعارف و فنون أخبار الخلائف، ص ۹۶.

انتساب رایج ابورافع، قبطنی است که این انتساب می‌تواند بیانگر اصالت مصری باشد. لقب او «بریه»، تصغیر ابراهیم است^۱ و بیشتر به کنیه‌اش ابورافع، شناخته می‌شد که گاه به اشتباه به صورت رافع نیز ثبت شده است.

زادگاه ابورافع و چگونگی انتقال وی به مکه مشخص نیست. ابورافع در مکه برده و غلام عباس بن عبدالمطلب بود و بعدها از طرف عباس به رسول خدا ﷺ بخشیده شد. ابورافع دو سالی از پیامبر کوچک‌تر بود، بنابراین سال تولد وی را باید در ۵۷۲ م و ۳۸ سال قبل از بعثت پیامبر دانست. او در مکه مشغول شغل تیرتراشی بود.^۲ در دوران حضور پیامبر در مکه از فعالیت‌های وی گزارش مستقیمی در دست نیست. او خود راوی گزارش‌هایی است که بیانگر حضور وی در آن حوادث است. ابورافع راوی روایت فراخوانی بستگان نزدیک از طرف پیامبر است که در سال سوم بعثت پیامبر روی داد. او خود شاهد این ماجرا بوده است. برخی او را در شمار مهاجران به حبشه آورده‌اند. شرکت او در هجرت به حبشه که رجال نجاشی از آن یاد کرده است^۳ صحیح نیست و در لیست مهاجران به حبشه که امثال ابن اسحاق گرد آورده‌اند از او یادی نشده است.^۴ ضمن آنکه وی در این ایام هنوز مسلمان نشده بود.

گزارش‌های مربوط به ابورافع در دوران مکی فراتر از چند گزارش که یاد شد نیست؛ اما منابع اطلاعات بیشتری برای او در دوران مدنی ثبت کرده‌اند. ابورافع مأمور رساندن نامه‌ای از سوی قریش به پیامبر شد. این نامه قاعدتاً مربوط به زمانی است که ابورافع برده عباس بن عبدالمطلب بود و رسول خدا ﷺ از مکه به مدینه هجرت کرده بود که زمان آن را می‌توان سال اول هجری دانست. ابورافع پس از تسلیم‌نامه به پیامبر، تمایل به اسلام پیدا کرد و از رسول خدا ﷺ خواست که اجازه دهد نزد وی باقی ماند، اما پیامبر ﷺ موافقت نکرد و آن را مخالف عهد دانست و اظهار کرد که سنت وی نگه داشتن سفرا و فرستادگان (البرد)^۵ نیست و به ابورافع فرمود بازگردد و چنان که علاقه‌اش به این آیین باقی مانده بود، مجال بازگشت خواهد بود.^۶

براساس گزارشی پس از هجرت پیامبر به مدینه، ابورافع و زید بن حارثه دو مولای رسول خدا ﷺ، از سوی آن حضرت مأموریت یافتند تا فاطمه علیها السلام، ام‌کلثوم (دو دختر پیامبر) و سوده

۱. الامین، اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۱۰۴.

۲. طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۲، ص ۴۶۲.

۳. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۵.

۴. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۳۲۱.

۵. برخی منابع به جای برد، واژه «بر» نوشته‌اند که در این صورت معنای آن نیکی خواهد بود.

۶. بیهقی، السنن الکبری، ج ۹، ص ۱۴۵.

دختر زمه را به همراه خود به مدینه آوردند.^۱ این گزارش صحیح نیست زیرا که ابورافع در این ایام هنوز هجرت نکرده بود و غلام عباس بود و پس از جنگ بدر در سال دوم به مدینه هجرت کرد. ضمن آنکه حضرت فاطمه علیها السلام، اندکی پس از هجرت پیامبر به همراه امام علی علیه السلام و مادرش فاطمه بنت اسد، از مکه به مدینه هجرت کرد.^۲

او از مسلمانان قدیمی شمرده شده که پس از جنگ بدر از مکه به مدینه هجرت کرد و در غزوات رسول خدا صلی الله علیه و آله شرکت جست. بنا بر گزارشی، وی در جنگ بدر همراه عباس بن عبدالمطلب، مولای خویش، در صف مشرکان بود و رسول خدا صلی الله علیه و آله چون او را در بدر دید، درباره سپاه مشرکان از او پرسش کرد.^۳ این خبر صحیح نیست؛ زیرا چنان که ابورافع خود اظهار می‌کند، در این ایام در مکه و در خدمت همسر عباس بن عبدالمطلب بوده است. ابورافع می‌گوید: هنگامی که خبر شکست مشرکان در بدر به مکیان رسید، او که پیروزی مسلمانان را با کمک فرشتگان می‌دانست، با ابولهب درگیر شد و با کمک همسر عباس توانست از چنگ او برهد.^۴ اطلاعات و گزارش‌های پس از این حادثه بیانگر آن هستند که ابورافع مولای رسول خدا صلی الله علیه و آله شده و از سرپرستی عباس بن عبدالمطلب بیرون آمده است، اما زمان این تغییر دقیقاً مشخص نیست.

ابورافع می‌گوید: هنگامی که خبر پذیرش اسلام عباس را به پیامبر صلی الله علیه و آله داده، پیامبر صلی الله علیه و آله او را آزاد کرده است. این رخداد باید پس از سال دوم هجری و جنگ بدر رخ داده باشد؛ زیرا ابورافع در جنگ بدر و در سال دوم هجری هنوز برده عباس بن عبدالمطلب بوده و پس از این جنگ، در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله قرار می‌گیرد و چون خبر اسلام رسمی عباس را به آن حضرت می‌دهد، از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله آزاد می‌شود. پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه، سلمی کنیز خویش را به ازدواج وی درآورد.^۵ که تاریده این حادثه را می‌توان سال سوم هجری تخمین زد. مشاهدات ابورافع بیانگر آن هستند که وی در

۱. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۸۳؛ ج ۸، ص ۲۸؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۱۷؛ زبیر بن بکار،

جمهره نسب قریش و اخبارها، ج ۲، ص ۵۹۸؛ ابن کثیر، البدایة والنهایة، ج ۳، ص ۲۲۱.

۲. طوسی، امالی، ص ۴۶۴؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۸۴.

۳. جمعی از مؤلفان، الاصول الستة عشر، ص ۸۷.

۴. ابن هشام، السیر النبویه، ج ۱، ص ۶۴۷؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۵۴؛ احمد بن حنبل، مسند، ج ۶،

ص ۹؛ ترمذی، الجامع الکبیر، ج ۱، ص ۳۰۸؛ بسوی، المعرفة والتاریخ، ج ۱، ص ۵۱۱؛ ابونعیم اصبهانی، دلائل

النبوه، ج ۲، ص ۴۷۳؛ بیهقی، دلائل النبوه و معرفة احوال صاحب الشریعه، ج ۳، ص ۱۴۵.

۵. ابن سعد، همان، ص ۵۵.

سال سوم هجری در مدینه بوده است. او می‌گوید دیده است که رسول خدا ﷺ هنگام ولادت امام حسن (ع) در سال سوم هجری در گوش او اذان گفت.^۱

در سال چهارم هجری، پس از پیروزی مسلمانان بر بنونضیر، اموال یهودیان بنونضیر در اختیار پیامبر ﷺ قرار گرفت. رسول خدا ﷺ، ابورافع را مسئول رسیدگی به اموال بنونضیر کرد. پیامبر ﷺ بخشی از اموال این سرزمین را صرف هزینه خانواده خویش می‌کرد و ابورافع گاه میوه‌های نوبر از آنجا برای رسول خدا ﷺ می‌فرستاد.^۲

در سال هفتم هجری، زمانی که رسول خدا ﷺ برای رفتن به «عمره قضا» آماده می‌شد، به ابورافع و اوس بن خولی مأموریت داد تا میمونه دختر حارث را که در مکه بود، به ازدواج پیامبر ﷺ درآورند.^۳ ابورافع در عمره قضا پس از اتمام مهلتی که مشرکان به رسول خدا ﷺ داده بودند، مأموریت یافت تا ندای کوچ از مکه را میان صحابه پیامبر ﷺ سر دهد، البته او خود در مکه ماند تا میمونه دختر حارث را که به ازدواج پیامبر درآمده بود به پیامبر ﷺ برساند.^۴

در ذی‌الحجه سال هشتم هجری هنگامی که ابراهیم فرزند رسول خدا ﷺ متولد شد، ابورافع زودتر از همه خبر را به پیامبر ﷺ رساند و برده‌ای به رسم مزدگانی از رسول خدا ﷺ دریافت کرد.^۵ ابورافع، امین پیامبر ﷺ و خانواده‌اش بود و کارهای شخصی رسول خدا ﷺ را انجام می‌داد. اخبار به جای مانده بیانگر نزدیکی بسیار ابورافع به پیامبر ﷺ است. برخی از این موارد که مشاهدات و خاطرات شخصی ابورافع در همراهی با رسول خداست و در لابه‌لای کتاب‌های حدیثی یا تاریخی به جای مانده، بدین شرح‌اند:

- ابورافع به خانه پیامبر ﷺ رفت و آمد داشت. روزی در حالی که پیامبر ﷺ در حال استراحت بود، ابورافع در گوشه اتاق ماری دید، به گمان اینکه به پیامبر وحی می‌شود، مار را نکشت و خود میان پیامبر ﷺ و مار خوابید تا آن حضرت آسیبی نبیند. پیامبر ﷺ چون از خواب برخاست آیه ولایت را خواند: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ...» و بشارت به ولایت امام علی (ع) داد و از ابورافع خواست که امام علی (ع) را در پیشامدهای آینده یاری دهد و ابورافع را به عنوان امین خود خواند.^۶

۱. طرابلسی، مسند ابی داود، ج ۲، ص ۲۷۳؛ عبدالرزاق، المصنف، ج ۴، ص ۳۳۶؛ ابن سعد، همان، طبقه خامسه، ج ۱، ص ۲۲۸ و ۳۷۱؛ سجستانی از دی، سنن ابی داود، ج ۲، ص ۴۴۹؛ الرویانی، مسند، ج ۱، ص ۴۵۵.

۲. واقدی، مغازی، ج ۱، ص ۳۷۸.

۳. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۰۵؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۱۸.

۴. ابن سعد، همان، ج ۲، ص ۹۳. ۵. همان، ج ۱، ص ۱۰۷؛ یعقوبی، تارذ الیعقوبی، ج ۲، ص ۸۷.

۶. طوسی، امالی، ص ۵۹؛ نجاشی، رجال النجاشی، ص ۵؛ ابن طاووس، الیقین باختصاص مولانا علی بامر المؤمنین، ص ۲۳۵.

- ابورافع واسطه میان آن حضرت و همسرانش بود و گاه پیغام پیامبر ﷺ را به ایشان انتقال می‌داد. او یک‌بار به‌رغم اینکه در جنگ بود و مأموریتی بر عهده داشت، از سوی پیامبر ﷺ موظف شد آن کار را رها کرده و میمونه را نزد آن حضرت آورد، ابورافع به‌رغم اکراه اولیه، این کار را انجام داد.^۱ فقها از این روایت در باب جواز سفر زن همراه با مولایی که دارای دین و امانت است استفاده کرده‌اند.^۲

- او کارهای شخصی پیامبر ﷺ را به انجام می‌رساند و تنظیم روابط اقتصادی نیز گاه به عهده او بود. روزی میهمانی برای رسول خدا ﷺ آمد و وسایل پذیرایی در منزل مهیا نبود؛ پیامبر ﷺ ابورافع را برای تهیه غذا بیرون فرستاد و او نزد مردی یهودی برای گرفتن قرض رفت. یهودی به شرط گرفتن رهن با پرداخت قرض موافقت کرد. ابورافع چون به پیامبر ﷺ گزارش داد، آن حضرت فرمود که من امین آسمان‌ها و زمین هستم. سپس زرهش را به عنوان رهن به گرو داد.^۳ چنان که ابورافع گزارش می‌کند رسول خدا ﷺ از مردی شتری قرض گرفت، چون برای دریافت آن آمد، ابورافع اظهار کرد که شتری همانند آن نیست، بلکه شتری به‌مراتب بهتر از آن در اختیار است. پیامبر ﷺ فرمود که همان را بدهد و اظهار کرد بهترین مردم کسی است که بازپرداخت بهتری داشته باشد.^۴

- پیامبر ﷺ، ابورافع را از خانواده خود قلمداد می‌کرد و چون ابورافع تمایل داشت همراه ارقم بن ابی‌ارقم برای گردآوری زکات رفته و سهمی دریافت کند، پیامبر ﷺ موافقت نکرد و فرمود: وابسته یک قوم از خود آنان است.^۵

- ابورافع می‌گوید: پیامبر ﷺ در عید قربان دو گوسفند بزرگ می‌خرید، بعد از نماز عید یکی را از طرف امت ذبح می‌کرد و دومی را نیز از طرف «محمد و آل محمد» و گوشت قربانی را به افراد مسکین می‌داد.^۶

۱. احمد بن حنبل، مسند، ج ۶، ص ۳۹۱؛ خراسانی مکی، سنن سعید بن منصور، ج ۲، ص ۲۳۱؛ الرویانی، مسند، ج ۱، ص ۴۶۹.
 ۲. سلمی نیسابوری، صحیح ابن خزیمه، ج ۴، ص ۱۳۶.
 ۳. البزار، مسند، ج ۲، ص ۷۳؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۳۳۱؛ ابونعیم اصفهانی، معرفة الصحابه، ج ۱، ص ۲۴۱؛ بوصیری، اتحاف الخیر المهره بزوائد المسانید العشره، ج ۳، ص ۳۴۷؛ ابن حجر، المطالب العالیه، ج ۷، ص ۴۵۰.
 ۴. طیالسی، مسند ابی‌داود، ج ۱، ص ۱۳۰؛ احمد بن حنبل، مسند، ج ۶، ص ۳۹۰؛ نسائی، سنن، ج ۷، ص ۲۹۱؛ ابن قانع، معجم الصحابه، ج ۲، ص ۴۳۶.
 ۵. احمد بن حنبل، همان، ص ۸، ۱۰ و ۳۹۰؛ ابن زنجویه، کتاب الاموال، ج ۲، ص ۹۵۳؛ ترمذی، سنن، ج ۲، ص ۸۴.
 ۶. احمد بن حنبل، همان، ص ۸ و ۳۹۱؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۳۱۲؛ قاضی نعمان، شرح الاخبار، ج ۲، ص ۴۸۶.

- ابورافع می‌گوید: پس از رحلت رسول خدا ﷺ در کناره غلاف شمشیر آن حضرت نوشته‌ای یافته که حاوی سفارش‌ها و دستورهای در باب چگونگی رفتار با بردگان، برادران و فرزندان بوده است.^۱

- ابورافع نحوه قرائت برخی آیات قرآنی را که خود از زبان رسول خدا ﷺ شنیده، بازمی‌گفت. او شنیده بود که پیامبر آیه «فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ» را به همین گونه نه به گونه «فسوف يعلمون» قرائت می‌کرد. آیه: «وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ» را با کسر قاف و آیه: «لَا تَخَفْ مِنْكُمْ خَافِيَةٌ» را با یاء (يَخَفِي) قرائت می‌کرد.^۲ در قرآن‌های کنونی آیه اول «فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ» و آیه دوم به فتح قاف: «وَمَنْ قَبْلَهُ» و آیه سوم: «لَا تَخَفْ مِنْكُمْ خَافِيَةٌ (الحاقة، ۱۸)» است.^۳

پس از رسول خدا ﷺ و پیش از به خلافت رسیدن امام علی علیه السلام، نقش چندانی برای ابورافع در حوادث ثبت نشده است. برخی رفتارهای ثبت شده از او بیانگر آن است که وفادار به سخنان و دستورهای پیامبر ﷺ بوده است؛ از جمله اینکه ابورافع خانه‌ای در کنار خانه سعد بن ابی وقاص داشت، چون قصد فروش خانه کرد، سعد بن ابی وقاص و فرد دیگری خواهان خرید خانه بودند که شخص دوم بابت خرید مبلغ بالاتری پیشنهاد می‌کرد؛ ابورافع چون از پیامبر ﷺ شنیده بود که در فروش خانه، همسایه حقی دارد، خانه را به سعد بن ابی وقاص فروخت.^۴

در دوران خلیفه دوم و عصر فتوحات، ابورافع از جمله صحابه‌ای بود که همراه عمرو بن عاص در فتح مصر به سال بیستم هجری شرکت کرد و مکانی را در مصر برای خود برگزید، بعدها این خانه به سائب، مولای ابورافع رسید که وی نیز آن مکان را به معاویه فروخت.^۵

ابورافع گزارش می‌کند پس از درگذشت عمر بن خطاب (م ۲۳ق)، هنگامی که اصحاب شورا برای تعیین خلیفه گرد آمده بودند، امام علی علیه السلام با آنان مناشده کرد و فضایل خویش را برایشان برشمرد.^۶

۱. البزار، مسند، ج ۲، ص ۷۶؛ هیثمی مصری، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۲، ص ۲۵؛ ابن حجر، المطالب العالیه، ج ۳، ص ۴۵۷ هر دو به نقل از بزار.

۲. الرویانی، مسند، ج ۲، ص ۳۰۸؛ حفص بن عمر بن عبدالعزیز، جزء فیہ قراءات النبی، ج ۱، ص ۱۶۴؛ زمخشری، الکشاف، ج ۴، ص ۱۹۷؛ القرطبی، تفسیر القرطبی، ج ۱۱، ص ۲۶۵.

۳. نحل، ۵۵؛ حاقه، ۹ و ۱۸.

۴. حمیدی، مسند، ج ۱، ص ۲۵۲؛ بخاری، صحیح البخاری، ج ۸، ص ۶۶؛ طبرانی، المعجم الاوسط، ج ۹، ص ۵۷؛ ابونعیم اصفهانی، معرفة الصحابه، ج ۱، ص ۲۴۱.

۵. ابن عبدالحکم، فتوح مصر و اخبارها، ص ۱۱۷، ۱۲۴، ۱۲۵ و ۱۵۹؛ ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک، ج ۵، ص ۱۶۷.

۶. طوسی، امالی، ص ۵۵۶؛ حر عاملی، اثبات الهدا بالنصوص والمعجزات، ج ۳، ص ۹۱؛ بحرانی، حلیۃ الابرار، ج ۲، ص ۴۱۰.

ابورافع در دوره خلافت عثمان نیز همراه امام علی علیه السلام بود. او خود نقل می‌کند که در وادع با ابوذر (هنگام تبعیدش از مدینه) حضور داشته و ابوذر از فتنه‌های آینده سخن گفته و سفارش کرده است که در این برهه‌ها باید به علی بن ابی‌طالب علیه السلام مراجعه کرد؛ زیرا به فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله او فارق میان حق و باطل و بزرگ مؤمنان است.^۱

ابورافع در دوران خلافت امام علی علیه السلام به حمایت از آن حضرت پرداخت و در شمار پیروان و شیعیان نیکوی امام علی علیه السلام قرار گرفت. هنگامی که مخالفت‌ها با امام علی علیه السلام آغاز شد، ابورافع که پیشگویی پیامبر صلی الله علیه و آله درباره حوادث این عصر را شنیده بود، زمین خود را در خیبر فروخت و در حالی که ۸۵ سال داشت، همراه امام علی علیه السلام شد^۲ و در جنگ‌های جمل و صفین شرکت کرد. برخی روایات بر جای مانده از او حکایت از همراهی وی با امام علی علیه السلام در این حوادث دارند. او گزارش می‌کند (هنگام رفتن امام علی علیه السلام به سوی صفین) چون امام علی علیه السلام از رود فرات گذشت با عده‌ای نماز عصر گزارد، اما عده دیگری که در صدد گذر از رود بودند نتوانستند نماز عصر را بخوانند و آفتاب غروب کرد. با دعای امام علی علیه السلام خورشید بازگشت و مردم نماز عصر را به جای آوردند.^۳ به‌رغم این اخبار، گزارشی از نقش‌آفرینی او در جنگ‌های عصر امام علی علیه السلام در دست نیست و کتاب‌های وقعة صفین، اثر نصر بن مزاحم (م ۲۱۲ق)، الغارات، نوشته ثقفی (م ۲۸۳ق) و الجمل، نگاشته شیة مفید (م ۴۱۳ق)، گزارشی از حضور ابورافع در جنگ‌های امام علی علیه السلام و ایفای نقش وی به دست نداده‌اند.

گاه اطلاعات مربوط به فرزندان ابورافع با خود ابورافع درآمیخته است؛ از جمله گفته شده ابورافع در دوران خلافت امام علی علیه السلام، عهده‌دار بیت‌المال آن حضرت شد و دو فرزندش عبیدالله و علی (که در سال ۳۵ هجری، سی ساله، یا کمی بیش از آن بودند) در دستگاه اداری امام علی علیه السلام فعالیت خود را آغاز کردند. برخی منابع داستان عاریه گرفتن قطعه‌ای طلا از بیت‌المال از سوی ام‌کلثوم، دختر امام علی علیه السلام را در زمانی دانسته‌اند که ابورافع کارگزاری بیت‌المال کوفه را بر عهده داشت است^۴ که این گزارش مربوط به یکی از فرزندان ابورافع (علی یا عبیدالله) است، نه خود ابورافع.

۱. البزار، مسند، ج ۲، ص ۷۹؛ طبری کبیر، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام، ص ۲۱۵ و ۲۹۰؛ طبری آملی، بشار المصطفی لشعبة المرتضى، ۱۰۳؛ کوفی، مناقب الامام امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام، ج ۱، ص ۲۸۴؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۴۱؛ ابن طاووس، الیقین باختصاص مولانا علی بامر المؤمنین، ۴۹۹؛ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۲۸.

۲. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۵. ۳. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی‌طالب، ج ۲، ص ۳۱۸.

۴. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۵.

براساس گزارش منابع شیعی پس از شهادت امام علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام بخشی از خانه پدری و زمینی از زمین‌های آن حضرت را در مدینه به ابورافع داد که بعدها از سوی فرزندش عبیدالله، به معاویه فروخته شد.^۱ اینکه ابورافع در این ایام و پس از امام علی علیه السلام زنده بوده، محل تردید است. امام حسن علیه السلام پس از شهادت پدر، مدت شش ماه در کوفه ماند و پس از آن به مدینه بازگشت، ابورافع در ایامی که امام علیه السلام به مدینه آمد، زنده نبوده است.

خلط میان چند ابورافع

به جهت تشابه میان کنیه ابورافع با افراد دیگری که با همین کنیه، یا نام رافع شناخته می‌شدند، گاه اشتباه‌هایی پدید آمده است. موارد ذیل از همین باب است:

- یعقوبی در شمار موالی رسول خدا صلی الله علیه و آله از ابورافع قبطی که از سوی مقوقس پادشاه مصر (در سال هفتم هجری) به پیامبر هدیه شد، نام برده است^۲ که این گزارش صحیح نیست و «ابورافع قبطی»، هدیه عباس بن عبدالمطلب به پیامبر صلی الله علیه و آله در سال‌های پیش از این بود و زمینه اشتباه آن است که مقوقس بنده‌ای به نام «مبور قبطی» به رسول خدا صلی الله علیه و آله هدیه داد و چون هر دو انتساب به قبط داشته‌اند، موجب التباس و اشتباه فراهم آمده است.

- میان او و ابورافع، مولای سعید بن عاص گاه آمیخته شده است. ابواحیحه سعید بن عاص برده‌ای به نام ابورافع داشت که فرزندانش سهم خویش از وی را آزاد کردند غیر از خالد بن سعید که سهم خویش را به رسول خدا صلی الله علیه و آله بخشید. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز او را آزاد کرد، به این جهت او خود را مولای رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌دانست. بهی، فرزند ابورافع نیز چنین ادعایی می‌کرد. چون عمرو بن سعید بن عاص در ایام معاویه به فرمانداری مدینه رسید، به جهت این ادعا، بهی را زیر تازیانه گرفت تا او از ادعای خویش دست بردارد. این حادثه را که منابع بسیاری نقل کرده‌اند^۳ مربوط به ابورافع قبطی مولای قطعی و حتمی رسول خدا صلی الله علیه و آله نیست بلکه مربوط به ابورافع مولای پیشین سعید بن عاص است. بهی در شمار فرزندان ابورافع قبطی نیست و برخی چون طبری به اشتباه او را فرزند ابورافع قبطی دانسته‌اند.^۴ مبرد در الکامل نیز میان این دو ابورافع خلط کرده است.^۵

۱. همان.

۲. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۸۷.

۳. طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۳، ص ۱۷۰؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۶، ص ۳۹؛ ابن حجر عسقلانی، الإصابة فی تمییز الصحابه، ج ۷، ص ۱۱۴.

۴. طبری، همان.

۵. مبرد، الکامل فی اللغة والادب، ج ۲، ص ۳۶۰.

- همچنین ابورافع قبطنی را نباید با نفع ابورافع صائغ که از تابعین و مولای دختر عمر بن خطاب بود، اشتباه گرفت. مجموعه روایاتی که ابورافع از ابوهریره نقل می‌کند، مربوط به روایات نفع ابورافع صائغ مدنی، ساکن بصره و مولای دختر عمر بن خطاب است. او راوی ابوهریره است و قاسم بن مهران و ثابت بنانی نیز از جمله راویان از او هستند. روایات او نیز درباره رسول خدا ﷺ و عمر بن خطاب است. ابورافع قبطنی اسلم، مولای رسول خدا ﷺ راوی از ابوهریره نیست. چنان که میان او و عبدالله بن رافع مخزومی مکنی به ابورافع مدنی که مولای ام سلمه همسر رسول خدا ﷺ بود، نباید آمیخت. روایاتی که ابورافع از ام سلمه نقل می‌کند همه مربوط به ابورافع مدنی است.^۱

درگذشت ابورافع

مرگ ابورافع به اختلاف ثبت شده است. برخی مرگ او را در سال ۲۳۵ و پیش از قتل عثمان نوشته‌اند؛^۳ واقدی مرگ او را پس از قتل عثمان (در سال ۳۵ هجری) دانسته است.^۴ عده‌ای دیگر مرگ او را در دوران خلافت امام علی علیه السلام دانسته^۵ و سال ۳۶ ق، را زمان مرگ وی نوشته‌اند.^۶ برخی چون مدائنی، ازدی و ابن ماکولا به تصریح مرگ او را در سال چهل هجری نوشته‌اند.^۷ خلیفه بن خیاط او را در طبقات مدنی‌ها یاد کرده و مرگش را پیش از سال چهل هجری نوشته است.^۸ ابن حبان با تصریح به شرکت او در جنگ‌های جمل و صفین، مرگش را در دوران خلافت امام علی علیه السلام نوشته است.^۹

با توجه به فعالیت‌هایی که در دوره حکمرانی امام علی علیه السلام برای او ثبت شده، مرگ او در سال چهل هجری و در نودسالگی که برخی ثبت کرده‌اند، درست به نظر می‌رسد. براساس گزارشی، امام علی علیه السلام که سرپرستی ایتام ابورافع را بر عهده داشته سالانه از اموال آنان زکات پرداخت

۱. ر.ک: پیوست شماره ۱.

۲. طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۳۰۷؛ حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۶۹۰.

۳. ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴، ص ۲۵۲. ۴. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۵۵.

۵. مزی، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، ج ۳۳، ص ۳۰۱.

۶. ازدی، تاریخ الموصل، ج ۱، ص ۶۹.

۷. ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۹، ص ۱۴۳؛ ازدی، همان، ص ۷۸؛ ابن اثیر، اسد الغابة فی معرفة الصحابة،

ج ۱، ص ۲۵؛ همو، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۷۵۲.

۸. خلیفه بن خیاط، طبقات، ج ۱، ص ۳۵. ۹. بستی، الثقات، ج ۳، ص ۱۶.

می‌کرده است.^۱ این خبر بیانگر آن است که ابورافع سال‌ها قبل از شهادت امام علی (ع) و هنگامی که فرزندانش هنوز کودک بوده‌اند، درگذشته است. اما این گزارش صحیح نیست و خبر مربوط به پرداخت زکات اموال فرزندان ابورافع به گونه‌ای دیگر بوده است. براساس خبری دیگر، رسول خدا (ص) به ابورافع زمینی بخشید، خانواده ابورافع زمین را در دوره خلافت عمر بن خطاب فروخته و پول آن را نزد امام علی (ع) به امانت گذاردند، بعدها چون پول را طلب کردند، آن را ناقص یافتند و امام (ع) فرمود که زکات آن مال را پرداخت کرده است.^۲ امام صادق (ع) نیز معتقد بر این بود که از ابورافع فرزند خردسال و یتیمی باقی نمانده، تا امام علی (ع) از اموال آنان زکات بردارد.^۳

روایات ابورافع

ابورافع راوی روایاتی از رسول خدا (ص) است که این روایات از سوی فرزندان و نوادگانش به منابع راه یافته‌اند. او ثقه دانسته شده و علامه حلی گفته که براساس روایت وی عمل می‌شود.^۴ ابورافع در نقل روایات و سیره پیامبر (ص) فعال بود. عبیدالله بن علی از مادرزرگش سلمی، همسر ابورافع نقل می‌کند که وی عبدالله بن عباس را دیده که با در دست داشتن الواحی، سخنان ابورافع درباره افعال رسول خدا (ص) را می‌نوشته است.^۵ همچنین ابورافع می‌گوید: پس از درگذشت پیامبر (ص)، در آویخته نیام شمشیر آن حضرت صحیفه‌ای را یافته است که سفارش‌هایی از پیامبر (ص) در آن بوده است.^۶

روایات ابورافع در کتاب‌های حدیثی

کتاب‌های مسند و جوامع حدیثی، عنوانی را به ابورافع اختصاص داده و روایات منقول او را یاد کرده‌اند. این روایات شامل سخنان رسول خدا (ص)، اقدامات و رفتارهای او هستند. شماره این

۱. ابن ابی شیبہ، المصنف فی الاحادیث والاکثار، ج ۳، ص ۱۴۹؛ شافعی، کتاب الأم، ج ۲، ص ۲۹ و ۳۰؛ بیهقی، معرفة السنن، ج ۶، ص ۳۹۴ و ۳۹۹.
۲. ابویوسف، الخراج، ص ۶۱؛ عبدالرزاق، المصنف، ج ۴، ص ۶۷؛ ابن زنجویه، کتاب الاموال، ج ۲، ص ۸۲۷؛ بخاری، التاریخ الصغیر، ج ۱، ص ۱۰؛ نیز ر.ک: علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۵، ص ۱۳.
۳. جمعی از نویسندگان، الاصول الستة عشر، اصل حنط، ص ۳۶.
۴. علامه حلی، خلاصة الاقوال، ص ۴۷.
۵. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۸۳؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۷۳، ص ۱۸۴.
۶. البزار، مسند، ج ۲، ص ۷۶.

روایات در کتاب‌های حدیثی متفاوت است و این تفاوت ناشی از اموری همچون: میزان تتبع نویسنده، دامنه گردآوری، تقطیع احادیث، تکرار حدیث با اسناد مختلف، تعبیرهای مختلف از یک موضوع است. تعداد احادیث ابورافع در مسانید و جوامع حدیثی بدین شرح‌اند: طیالسی (م ۲۰۴ق)، شش روایت؛^۱ حمیدی (م ۲۱۹ق)، چهار روایت؛^۲ احمد بن حنبل (م ۲۴۱ق)، ۳۶ روایت؛^۳ بقی بن مخلد (م ۲۷۶ق)، روایات ابورافع را ۶۸ روایت برشمرده است؛ بزار (م ۲۹۲ق) در مسند، ۲۵ روایت؛^۴ رویانی (م ۳۰۷ق)، ۴۶ روایت؛^۵ طبرانی (م ۳۶۰ق) در المعجم الکبیر، حدود هشتاد روایت؛^۶ ابن حجر (م ۸۵۲ق)، در اطراف المسند، بیست روایت؛^۷ سیوطی (م ۹۱۱ق)، در جامع الاحادیث، ۳۱ روایت آورده‌اند و مجامع حدیثی شیعه روایات او را یکجا گردآوری نکرده‌اند. بیشترین روایت را طبرانی و بقی بن مخلد با حدود هفتاد روایت برای وی برشمرده‌اند. در این پژوهش مجموعه روایاتی که برای ابورافع شناسایی و استخراج شده، صد روایت است.^۸ امام زین العابدین علیه السلام از جمله کسانی است که از او به‌طور مستقیم روایت نقل کرده است.^۹ براساس منقولات طبرانی در المعجم الکبیر، امام زین العابدین علیه السلام هفت روایت، مستقیم از ابورافع نقل می‌کند.^{۱۰} روایت امام زین العابدین علیه السلام با توجه به ولادت آن حضرت بنا بر قول مشهور در سال ۳۸ هجری و وفات ابورافع در سال چهل هجری نمی‌تواند به صورت مستقیم باشد، بلکه با واسطه است.

موضوع بیشتر روایات برجای‌مانده از ابورافع مربوط به اقدامات و فضایل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام است. برخی نمونه‌ها بدین شرح‌اند:

سبقت اسلام علی علیه السلام و پیوستگی میان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام، مقام و منزلت امام علی علیه السلام؛^{۱۱} داستان یوم‌الانذار و معرفی امام علی علیه السلام به عنوان جانشین و وصی پیامبر؛^{۱۲} هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اقدامات و

-
۱. طیالسی، مسند ابی داود، ج ۲، ص ۲۷۷.
 ۲. حمیدی، مسند، ج ۲، ص ۱۴۸.
 ۳. احمد بن حنبل، مسند، ج ۶، ص ۸ و ۳۹۰.
 ۴. البزار، مسند، ج ۲، ص ۱۲۱.
 ۵. رویانی، مسند، ج ۱، ص ۴۵۵.
 ۶. طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۳۰۷.
 ۷. ابن حجر عسقلانی، اطراف المسند المعتمَلی بأطراف المسند الحنبلی، ج ۶، ص ۲۱۵.
 ۸. رک: پیوست شماره ۲.
 ۹. ابن قانع، معجم الصحابه، ج ۲، ص ۴۲۴؛ ابن حزم اندلسی، جوامع السیر النبویه، ص ۲۷۹.
 ۱۰. طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۳۱۰.
 ۱۱. کوفی، مناقب الامام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، ج ۱، ص ۲۶، ۲۸۴-۲۸۶ و ۳۱۰ و موارد قابل توجه دیگری که در این کتاب درج شده‌اند (طبری کبیر، المسترشد فی امامه امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، ص ۲۹۰).
 ۱۲. ابن عقده، فضایل امیرالمؤمنین، ص ۲۰۳.

مأموریت‌های امام علی علیه السلام پس از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه؛^۱ مبارزه امام علی علیه السلام در جنگ بدر با مشرکان^۲ و اقدامات دلاورانه آن امام در جنگ اُحُد؛^۳ بیان روایاتی در منزلت و موقعیت والای امام علی علیه السلام مانند بشارت پیامبر صلی الله علیه و آله به ولایت امام علی علیه السلام؛ بهشتی دانستن امام علی علیه السلام و اشاره به کینه‌ورزی‌ها علیه وی پس از پیامبر^۴ و داستان رد الشمس.^۵

نجاشی کتابی را با نام کتاب السنن والاحکام والقضایا، به ابورافع منسوب کرده است. این کتاب دربردارنده ابوابی چون نماز، روزه، حج، زکات و قضاوت‌ها بوده است. نجاشی دو نسخه از این کتاب معرفی می‌کند که این دو نسخه اندک اختلافاتی با یکدیگر داشته‌اند،^۶ شیة طوسی در فهرست برای او عنوانی قرار نداده و کتابی برای ابورافع یاد نمی‌کند. طوسی در عنوان: عبیدالله بن ابی‌رافع، دو کتاب سنن و تسمیه را برای وی برمی‌شمارد.^۷ چنین به نظر می‌رسد که تدوین‌گر کتاب سنن، فرزند وی عبیدالله بوده، اما چون این نوشته شامل اطلاعات نقل شده از ابورافع بوده موجب انتساب کتاب به وی شده است.^۸

راویان و روایت‌کنندگان از ابورافع

روایات ابورافع به نقل از سه نفر است که عبارت‌اند از: پیامبر صلی الله علیه و آله، علی بن ابی‌طالب علیه السلام و عبدالله بن مسعود.^۹

راویان از ابورافع افراد بیشتری هستند که مزّی در تهذیب الکمال، سی‌تن از آنان را برشمرده است.^{۱۰} این راویان براساس شمارش مزّی عبارت‌اند از:

۱. حسن بن ابی‌رافع (فرزندش)؛ ۲. حسن بن علی بن ابی‌رافع (نواده‌اش)؛ ۳. حصین پدر داود بن الحصین؛ ۴. حنین بن ابی‌المغیره؛ ۵. رافع بن ابی‌رافع (فرزندش)؛ ۶. سالم بن عبدالله بن

۱. همان، ص ۱۸۰.

۲. مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۷۳.

۳. طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۲، ص ۵۱۴.

۴. کوفی، مناقب الامام امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام، ج ۱، ص ۲۳۶.

۵. ابن مغازلی، مناقب الامام علی بن ابی‌طالب، ص ۱۲۷.

۶. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۶. ۷. طوسی، فهرست، ص ۱۰۷.

۸. بنگرید: مدرسی طباطبایی، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ص ۵۵ (ر.ک: بررسی کتاب السنن والاحکام).

۹. ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۱۲؛ مزّی، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، ج ۳۳، ص ۳۰۱.

۱۰. مزّی، همان.

عمر؛ ۷. سعید بن ابی سعید، مولی ابن حزم؛ ۸. سلیمان بن یسار؛ ۹. شرحبیل بن سعد، مولی انصار؛ ۱۰. صالح بن عبیدالله بن ابی رافع (نواده‌اش)؛ ۱۱. عبدالرحمن بن الحارث بن هشام؛ ۱۲. عبدالرحمن، مولی علی؛ ۱۳. عبدالرحمن بن مسور بن مخرمه؛ ۱۴. عبیدالله بن ابی رافع (فرزندش)؛ ۱۵. عطاء بن یسار؛ ۱۶. علی بن الحسین، زین العابدین علیه السلام؛ ۱۷. علی بن رباح لخمی مصری؛ ۱۸. عمرو بن شریذ بن سوید ثقفی؛ ۱۹. فضل بن عبیدالله بن ابی رافع (نواده‌اش)؛ ۲۰. محمد بن منکدر؛ ۲۱. مطلب بن عبدالله بن حنطب؛ ۲۲. معتمر (یا) مغیر بن ابی رافع (فرزندش)؛ ۲۳. یزید بن زیاد، مولی بن عیاش؛ ۲۴. یزید بن عبدالله بن قسیط؛ ۲۵. ابواسماء مولی عبدالله بن جعفر؛ ۲۶. ابوبکر بن عبدالرحمن بن الحارث بن هشام؛ ۲۷. ابوسعید طائفی؛ ۲۸. ابوسعید مقبری؛ ۲۹. ابوغطفان بن طریف مری؛ ۳۰. سلمی اُم رافع (همسر ابورافع).

در این فهرست سه مورد از افرادی که مزی به عنوان فرزند ابورافع و راوی مستقیم از او یاد کرده، یعنی مورد ۱ حسن بن ابی رافع، مورد ۵ رافع بن ابی رافع، مورد ۲۲ معتمر (یا مغیر) بن ابی رافع، هیچ کدام فرزند مستقیم ابورافع نبوده، بلکه از نوادگان وی هستند و با واسطه از ابورافع روایت کرده‌اند.

بسامد روایات

روایات و رفتارهای ابورافع به عنوان صحابی و خادم پیامبر صلی الله علیه و آله مورد توجه قرار گرفته و گاه به رفتار وی برای صحیح دانستن کاری، استناد شده است.^۱ چنان که احادیث منقول از او در مسیر فتوا قرار گرفته و فقها بدان استناد کرده‌اند. نمونه آن استناد به خبر منقول ابورافع در وصف وضوی رسول خدا صلی الله علیه و آله است که براساس آن پیامبر صلی الله علیه و آله گاه اعضای وضو را سه بار و گاه یکبار می‌شست.^۲

نسل ابورافع

ابورافع نسلی از خود بر جای گذاشت^۳ و منسوبان به این خاندان را رافعی می‌گویند.^۴ مشجر خاندان وی که در کتاب‌های تراجم و اسناد احادیث از آنان یاد شده است بدین شرح است:

۱. «حَدَّثَنَا أَبُو سَامَةَ، عَنْ عُبَيْدِ بْنِ أَبِي نُوسَيْمٍ، عَنْ سَلْمَانَ أَبِي شَدَّادٍ، قَالَ: كَانَ ابُورَافِعٍ مَوْلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله يَأْمُرُنِي أَنْ أَتَوَلَّيَهُ الْمَبُولَةَ، وَهُوَ عَلَى فَرَاشِهِ فَيَقُولُ فِيهَا» (ابن ابی شیبہ، المصنف فی الاحادیث والآثار، ج ۱، ص ۱۷۵).
 ۲. جصاص، احکام القرآن، ج ۳، ص ۳۵۸. ۳. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۵۶.
 ۴. ضبی، بغیة الملتمس، ص ۳۷۶.